فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۵- صفحات ۲۷-۷

تحلیل فقهی-اقتصادی آیه شریفه کنز؛ مبنایی برای اصلاح رفتارهای اقتصادی و مقابله با انباشت غیرمولد دارایی

نوع مقاله: پژوهشی

محمدزمان رستمی[۱]
محمدهادی رستمی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۸

چکیده

پدیده کنز و انباشت ثروت به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ اقتصادی مطرح است. این پدیده می‌تواند منجر به اختلال در توزیع منابع و افزایش نابرابری‌های اجتماعی شود. با توجه به تأثیرات گسترده کنز بر اقتصاد و جامعه، بررسی دقیقتر این موضوع و یافتن راهکارهای مؤثر برای مقابله با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیۀ کنز دلالت دارد که هر نوع هزینه‌کرد باید در فعالیتی باشد که با کارایی، بهره‌وری و رشد بالا همراه است و بیشترین قوام را برای دین و جامعه ایجاد می‌کند. مقاله در پاسخ به سوال از مفاهیم اصطلاحات مذکور در آیه کنز، با روش تحلیلی و توصیفی، این فرضیه را بیان می‌دارد که مجموعه اصطلاحات مذکور، بیانگر یک قاعده اساسی در جهت اصلاح رفتارهای اقتصادی در باره انواع دارایی‌ها است که از هر نوع استفاده غیرکارآمد و نامولد که مانع تامین نیازمندی‌های مصرفی یا تولیدی است بازمی‌دارد. نتیجه مقاله آن است که می‌باید با شدت بیشتری با کنز مبارزه کرد.

کلیدواژه‌ها: کنز، انفاق، سبیل‌الله، دارایی، کارایی، بهره‌وری، فعالیت‌های مولد، مالیات بر عایدی
طبقه‌بندی JEL: E47، E37، E69، D31، D43، D42

---

[۱] دانشیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران
Mz.rostami@qom.ac.ir
[۲] استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی ره، قزوین، ایران (نویسنده مسئول) rostami@isr.ikiu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مقدمه

کنز، به معنای انباشت پول بدون به‌کارگیری آن در مسیرهای تولیدی و رفاهی، آثار منفی بر سطح تولید و رفاه جامعه بر جای می‌گذارد. این پدیده می‌تواند متغیرهای واقعی همچون ذخیره سرمایه، مصرف و تولید را تحت تأثیر منفی قرار دهد؛ از این رو مقامات پولی و مالی باید با طراحی سیاست‌های مناسب، نسبت به کاهش کنز اقدام کنند (بخشی و رحیمی، ۱۳۹۶). برخی از فقها و مفسران معتقدند که حکم کنز قابل تعمیم به سایر دارایی‌ها نیز هست، در حالی که گروهی دیگر در تلاش‌اند این حکم را با شرایط اقتصادی مدرن انطباق دهند (حسینی، ۱۳۸۹). کنز به معنای نگهداری ثروت به صورت راکد و خارج‌ساختن آن از چرخه اقتصادی است؛ عملی که می‌تواند آثار منفی بر رشد و توسعه اقتصادی بر جای گذارد.

پول، به عنوان ابزار مبادله، نقش مهمی در تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند و به افراد امکان می‌دهد در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کرده و به پیشرفت و توسعه جامعه یاری رسانند. اختراع پول یکی از بزرگ‌ترین تحولات تاریخ بشریت به شمار می‌آید که بدون آن، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی مدرن شکل نمی‌گرفتند. پول، به عنوان ابزاری برای پیشرفت، باید به گونه‌ای به کار رود که به رشد و توسعه اقتصادی یاری رساند، نه اینکه به صورت راکد نگهداری شده و از چرخه اقتصادی خارج شود. بر این اساس، مسئولیت اجتماعی و اقتصادی هر فرد و جامعه آن است که از پول و سایر منابع به نحوی بهره‌برداری کند که به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی بینجامد و از انباشت غیرفعال ثروت که می‌تواند روند پیشرفت و توسعه را متوقف سازد، پرهیز نماید. این نگرش با اصول اقتصادی و اخلاقی اسلام نیز سازگار است و به ترویج عدالت اجتماعی و رفاه عمومی کمک می‌کند.

مفاهیم کنز، انفاق و سبیل‌الله در اقتصاد اسلامی و در شرایط نوین اقتصادی، از جمله موضوعاتی هستند که مفسران، فقها و اقتصاددانان اسلامی برداشت‌های گوناگونی از آن‌ها ارائه داده‌اند. در ادبیات فقه اقتصادی، کنز به معنای جمع‌آوری ثروت مازاد بر نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی متعلق به آن تعریف شده است. این مفهوم نه تنها طلا و نقره مسکوک را در بر می‌گیرد، بلکه می‌تواند به تمامی دارایی‌هایی که نیازهای زندگی را تأمین می‌کنند نیز اطلاق شود. انفاق در مسیر سبیل‌الله شامل یاری به نیازمندان، گسترش عدالت اجتماعی، تقویت بنیان‌های اقتصادی و جلوگیری از تمرکز ثروت و گسترش شکاف طبقاتی می‌شود.

در پاسخ به پرسش درباره مفهوم اصطلاحات به‌کاررفته در آیه شریفه، این فرضیه مطرح می‌شود که مجموعه این اصطلاحات بیانگر یک قاعده اساسی برای اصلاح رفتارهای اقتصادی است و از هرگونه رفتار غیرکارآمد و نامولد که مانع تأمین نیازهای مصرفی یا تولیدی شود، بازمی‌دارد. بر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

اساس این فرضیه، کنز زمانی شکل می‌گیرد که دارایی‌های مورد نیاز از دسترس مردم خارج شده و منجر به کمبود عرضه، مازاد تقاضا، افزایش قیمت‌ها، تبدیل کالای مصرفی به کالای سرمایه‌ای[۱] و در نهایت عدم دسترسی نیازمندان به کالاهای اساسی گردد. چنانچه کنز با ترک انفاق همراه شود، نه تنها رفتاری غیراخلاقی محسوب می‌شود، بلکه به عنوان جرمی تلقی می‌گردد که مجازات آن متناسب با آسیبی است که به اقتصاد وارد می‌آورد.

هر کس مالک دارایی خویش است، اما نباید آن را کنز، احتکار، اسراف یا تلف کند، بی‌استفاده رها سازد یا به‌گونه‌ای غیربهینه به‌کار گیرد. برای نمونه، کسی که زمین خود را به مدت سه سال رها کند، ملک او از وی گرفته می‌شود (طوسی، ۱۳۶۴، ج۳: ۲۳۲). در اقتصاد اسلامی، مدیریت کارآمد دارایی‌ها و استفاده بهینه از منابع محدود از اصول اساسی به شمار می‌آید. سفاهت در اصطلاح فقهی به فردی گفته می‌شود که در بهره‌برداری از اموال خود ناکارآمد است و توانایی مدیریت مؤثر آنها را ندارد؛ چنین افرادی تا زمان کسب صلاحیت لازم نباید مسئولیت اداره اموال خود را بر عهده گیرند. در شرایطی که کشور با معضلات اقتصادی داخلی یا فشارهای بین‌المللی روبه‌روست، اهمیت بهره‌برداری کارآمد از منابع و دارایی‌ها دوچندان می‌شود. تفاوت اصلی نظام اقتصاد اسلامی با سایر نظام‌های اقتصادی در تأکید بر کارایی، بهره‌وری و مولد بودن فعالیت‌ها و دارایی‌هاست. این نظام می‌کوشد از انباشت غیرفعال ثروت جلوگیری کرده و به جای آن، سرمایه‌گذاری‌هایی را تشویق کند که به توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر شوند.

پیشینه

میرمعزی (۱۳۸۲)، پس از تبیین مفهوم کنز از دیدگاه اقتصاددانان، مفسران و اندیشمندان و با بررسی آیات و روایات، نتیجه می‌گیرد آنچه تحت عنوان کنز حرام شده، جمع‌آوری ثروت مازاد بر نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی است و صِرف خارج‌کردن پول از جریان گردش و نگهداری پول به انگیزه بورس‌بازی در چارچوب قوانین شرع، حرام نیست.

حسینی (۱۳۸۹)، با بررسی آیات کنز و با روش تحلیلی فقهی-اقتصادی، نشان می‌دهد که انباشت ثروت (کنز) با مصالح اجتماع در تضاد است و اسلام خواهان جریان‌یافتن ثروت در فعالیت‌های اقتصادی مولد و تامین مصالح فردی و اجتماعی است. مقاله نتیجه می‌گیرد که کنز، اثرات منفی بر تقاضای پول، بازارهای مالی، رفتار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دارد.

---

۱ منظور از کالای سرمایه‌ای در این جا کالایی است که مورد سفته‌بازی قرار گیرد و دائما خریدوفروش و دست‌به‌دست گردد و دیرتر به دست مصرف‌کننده و نیازمند واقعی برسد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

محمودی گلپایگانی (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد علی‌رغم دیدگاه اکثریت، کنز حرام، به موارد گردآوری ثروت با خودداری از پرداخت زکات منحصر نمی‌شود، بلکه شامل منع از اداء دیگر حقوق مالی و رفع خلاهای اقتصادی جامعه نیز می‌گردد.

موسوی و عیسوی (۱۳۹۴)، با روش تحلیلی فقهی اقتصادی، ضمن بررسی نقادانه نظریه های اندیشمندان اسلامی درباره مفهوم کنز، به این نتیجه رسیده که با آنکه مشهور مفسران و فقها مفهوم آیات ۳۴و۳۵ سوره توبه را به عدم پرداخت زکات محدود کرده اند، ولی دقت در سیاق این آیات نشان می دهد موضوع کنز مستقل از زکات است. بر اساس این دیدگاه، مفهوم قرآنی کنز به معنای پولی است که در چارچوبی که خداوند متعال معین نموده است، مصرف نشود. دایره این مفهوم مصادیقی را بیش از آنچه کنز عرفی شامل می شود، دربردارد.

بخشی و رحیمی (۱۳۹۶)، با روش تعادل عمومی پویای تصادفی، یک مدل نظری برای نشان‌دادن اثرات کنز پول و سرمایه، طراحی کرده و پس از انجام شبیه‌سازی با استفاده از داده‌های اقتصاد ایران، نتیجه گرفته‌اند که کنز بر متغیرهای واقعی مانند ذخیره سرمایه، مصرف و تولید، اثر منفی دارد.

مهرگان و نعمتی (۱۳۹۴) با بررسی نقش اخلاق اسلامی در بازار، به تحلیل رابطه بین خریدار و فروشنده در هنگام احتکار با استفاده از نظریه بازی‌ها پرداختند. تحقیق آن‌ها نشان داد که اطلاعات شفاف در جلوگیری از رفتارهای غیراخلاقی بازار حائز اهمیت است و احتکار ناشی از عدم تقارن اطلاعات، منجر به هزینه‌های اضافی و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که رفع ابهامات اطلاعاتی، احتمال وقوع معاملاتی که در آن احتکار صورت می‌گیرد را کاهش می‌دهد.

این مقاله آیه شریفه را با نگاهی نو و بر اساس شرایط نوین اقتصاد تبیین می‌کند.

مفهوم کنز

کنز، انباشت غیرمولد دارایی‌هاست که از چرخه تولید و مصرف خارج شده و بلااستفاده باقی می‌مانند. این عمل، با تضعیف چرخه اقتصادی و ایجاد موانع توسعه، به کاهش کارایی اقتصادی منجر می‌شود. اسلام به جریان یافتن دارایی‌ها و استفاده مؤثر از آن‌ها در جهت پیشرفت اقتصادی تأکید دارد. در عصر حاضر، با وجود سیستم‌های بانکی، پول نقد به‌ندرت به صورت راکد باقی می‌ماند. با این حال، مفهوم کنز همچنان معتبر است و شامل هر نوع دارایی می‌شود که به‌جای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی مولد، انباشته شده و از گردش اقتصادی بازماند، چه طلا و نقره باشد، چه ارزهای خارجی یا سایر دارایی‌ها.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

آیات مربوط به کنز در قرآن، اگرچه طلا و نقره مسکوک را مثال می‌آورند، اما مفهوم کنز به هر نوع دارایی یا سرمایه ای که از چرخه اقتصادی خارج شده و بلااستفاده باقی مانده، قابل تعمیم است. فخر رازی می‌نویسد مفهوم اصلی کَنْز در زبان عرب، جمع‌کردن است، و هر چیزی که قسمتی از آن را با بخش دیگری جمع کرده باشند، مَکْنُوز است (أصل الکنز فی کلام العرب هو الجمع، و کل شیء جمع بعضه إلی بعض فهو مکنوز) (رازی، ۱۴۲۰، ج۱۶: ۳۵). علامه می‌نویسد: نگهداری و ذخیره مال و خودداری از این است که در میان مردم جریان پیدا کند و زیادتر شود، و انتفاع از آن عمومی‌تر گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۹: ۳۳۳). نجفی خمینی می‌نویسد: در زمان نزول قرآن بلکه در هر زمانی طلا و نقره نزد دنیاپرستان محبوبیت مخصوصی داشته است و بدین خاطر، آیه شریفه به آنها تصریح نموده است. بنابراین، هدف آیه تنها طلا و نقره نیست، بلکه هر چیزی است که مالیت داشته باشد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج۶: ۲۵۹). قرشی می‌نویسد: عنوان‌کردن طلا و نقره به علت آن بوده که ثروت غالب آن روز بوده‌اند و گرنه مطلق انباشتن ثروت چنین است و لو طلا و نقره هم نباشد (قرشی، ۱۳۷۷، ج۴: ۲۲۶). مغنیه می‌نویسد: لفظ طلا و نقره، خاص است، اما حکم، عام بوده و همه انواع مال را دربر می‌گیرد؛ حتی زمین، معادن، درختان، ساختمان‌ها، دام‌ها، کارخانه‌ها و وسایل نقلیه را نیز شامل می‌شود. زیرا کسانی که خداوند آنان را به عذابی دردناک تهدید کرده، ثروتمندان بخیل‌اند، نه صرفاً دارندگان سکه‌های طلا و نقره مسکوک. وقتی این آیه نازل شد، بر مسلمانان گران آمد؛ چرا که آن‌ها از آیه چنین برداشت کردند که همه اموال مشمول آن‌اند، و هنگامی که از پیامبر (ص) پرسیدند، ایشان برداشت آنان را تأیید فرمود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج۴: ۳۷). طبرسی می‌نویسد: هر مالی را که زکاتش نپردازی گنج است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۵: ۴۰). بنابراین از نظر وی کنز شامل کنز اموال نیز می‌شود. مکارم می‌نویسد: کنز به جمع‌آوری و نگهداری و پنهان‌نمودن اموال و یا اشیاء گران قیمت اطلاق گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۷: ۳۹۲). حویزی می‌نویسد: در عرف اهل زبان، کنز به معنای گردآوری و پنهان‌کردن مال است. ذکر طلا و نقره از این جهت است که آنها از بارزترین مصادیق کنز در زمان نزول قرآن بوده‌اند و نمونه‌ای از مال به عنوان چیزی قابل جمع‌آوری و ذخیره‌کردن هستند (کرمی حویزی، ۱۴۰۲، ج۴: ۸۲). در زمان معاویه، اباذر غفاری با مشاهده کاخ‌های اشرافی در شام، آیه کنز را قرائت کرد. این داستان را اکثر مفسران شیعه و سنی نقل کرده اند. اباذر با این کار، نشان داد که مفهوم کنز تنها به انباشت طلا و نقره محدود نمی‌شود، بلکه شامل ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی نیز می‌شود.

در صدر اسلام، طلا و نقره به عنوان دارایی‌های اصلی و ارزشمند شناخته می‌شدند و از همین رو در آیات قرآن به عنوان نمونه‌هایی از کنز مطرح شده‌اند (حسینی، ۱۳۸۹). این دو فلز گرانبها، به دلیل محدودیت در دسترسی و نقش حیاتی در اقتصاد، جایگاه ویژه‌ای در تجارت و مبادلات مالی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

داشتند. کنزکردن آن‌ها، یعنی خارج‌ساختنشان از چرخه اقتصادی و جلوگیری از بهره‌برداری مولد، می‌توانست به رکود اقتصادی و اختلال در جریان مبادلات منجر شود.[۱]

کنز در اصطلاح اقتصاد اسلامی به معنای نگهداری دارایی‌ها به گونه‌ای است که از چرخه اقتصادی خارج شده و بدون استفاده باقی می‌مانند. این عمل می‌تواند به کاهش کارایی اقتصادی و ایجاد موانع در مسیر توسعه و پیشرفت منجر شود. اما اگر فردی دارایی‌هایش را به صورت کارآمد و بهره‌ورانه به کار گیرد، این عمل به عنوان کنز تلقی نمی‌شود. نهی از کنز در اسلام نهی از داشتن ثروت نیست، بلکه نهی از راکد نگه داشتن و حبس ثروت است. اسلام به افراد اجازه می‌دهد که ثروت جمع‌آوری کنند، به شرطی که آن را در جریان اقتصادی قرار دهند و از طریق کار، تولید و تجارت، به ایجاد منافع برای خود و دیگران کمک کنند. این رویکرد تأکید بر اهمیت جریان داشتن دارایی‌ها و استفاده مؤثر از آن‌ها در جهت رشد و توسعه اقتصادی دارد و با اصول اخلاقی و دینی اسلام همخوانی دارد. علامه می‌نویسد: نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست بلکه نهی از حبس آن است، چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن ثروت می‌داشت ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۹: ۳۳۲-۳۳۴).

در اقتصاد مدرن، مفهوم کنز فراتر از انباشت ساده پول نقد رفته و به اشکال پیچیده‌تری از عدم تخصیص بهینه منابع قابل تعمیم است. سفته‌بازی، به عنوان یک پدیده اقتصادی معاصر، قابل تحلیل به عنوان یک شکل نوین از کنز تلقی می‌شود. در این رویکرد، سفته‌بازان، از طریق فعالیت‌های خریدوفروش مکرر دارایی‌ها، به‌جای تخصیص منابع به فرایند تولید و مصرف، به دنبال کسب سود از نوسانات قیمت می‌باشند. این رفتار، با ایجاد نقدینگی فزاینده در دست سفته‌بازان، به طور غیرمستقیم نقدینگی مورد نیاز بخش‌های واقعی اقتصاد را کاهش می‌دهد. این چرخه سفته‌بازانه به انجماد یا هدررفت پتانسیل تولید منجر می‌شود، چرا که دارایی‌ها به جای خدمت به نیازهای اقتصادی واقعی، صرفاً در حال گردش بین سفته‌بازان می‌باشند. این فرآیند، با دور نگهداشتن دارایی‌ها از دسترس نیازمندان واقعی که با شبهه کنزبودن همراه است (واعظ و مقیمی، ۱۳۹۲) ، منجر به کاهش کارایی بازار و به وجود آمدن نابرابری در توزیع منابع شده و می‌تواند بر ثبات اقتصادی نیز اثر بگذارد.

---

[۱] سکه‌های مورد استفاده مردم حجاز در صدر اسلام، سکه‌های ضرب روم و ایران بود که به عنوان دینار (سکه طلا) و درهم (سکه نقره) شناخته می‌شد و از طریق مبادلات تجاری اعراب با ایرانیان و رومیان به‌دست می‌آمد. از این رو، تعداد این سکه‌ها، بسیار محدود و کنز آن‌ها موجب رکود شدید بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

در بازار املاک فرآیند خرید زمین‌ها و مسکن، گاهی نه به منظور استفاده و تأمین نیازهای واقعی، بلکه با هدف سوداگری و فروش در آینده انجام می‌شود. این رویکرد به ایجاد زنجیره‌ای از کنز در بازار مسکن منجر می‌گردد. طبق داده‌های سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، در فاصله زمانی دهه ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، تعداد واحدهای ساخته‌شده به ۱۰,۵ میلیون واحد افزایش می‌یابد، اما تنها ۲,۴ میلیون خانوار جدید صاحب مسکن شده‌اند. این آمار حاکی از این است که تنها ۲۳ درصد از این املاک به منظور سکونت حقیقی خریداری شده‌اند که خود نشان‌دهنده بروز عدم تعادل و پدیده کنز در بازار مسکن به شمار می‌آید. این وضعیت، علاوه بر کاهش توانایی دسترسی به مسکن مناسب برای اقشار مختلف جامعه، پیامدهای منفی دیگری برای توسعه پایدار شهری و اجتماعی به همراه خواهد داشت (موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۵، ج۳).

در اقتصاد معاصر، بسیاری از تصمیمات و رفتارهای اقتصادی که ممکن است منطبق بر تعریف فقهی کنز نباشند، عواقبی مشابه آن ایجاد می‌کنند. پروژه‌های ناتمامِ هدردهنده منابع، ماشین‌آلات بیکار در کارخانه‌های تعطیل، ساختمان‌ها و معادن رهاشده، و اماکن تجاری بلااستفاده، همگی نشانگر توقف سرمایه و منابعی هستند که به اقتصاد ملی آسیب زده و رشد پایدار را مختل می‌کنند. این نگاه، کنز را نه تنها به انباشتِ ثروت، بلکه به هر اقدامِ هدردهنده ظرفیت‌های اقتصادی در راستای منافع عمومی مرتبط می‌سازد. پول نیز اگر کنز نگردد اما در حوزه‌های غیرمولد جریان یابد، نتیجه کنز، یعنی رکود را به‌همراه می‌آورد. بدین خاطر بوده است که طبق آمار بانک مرکزی در سال‌های پس از انقلاب، نقدینگی ۴۰۰۰۰ برابر شد یعنی از یک چهارم همت به ده هزار همت رسید در حالی که تولید ملی واقعی تنها حدود ۴ برابر گردید یعنی از ۹۰ میلیارد دلار به ۴۰۰ میلیارد دلار رسید. سفته‌بازی بر روی کالاها ماهیتاً کنز است، زیرا کالا تا مدت‌ها به دست مصرف‌کننده حقیقی نمی‌رسد و از چرخه مصرف خارج می‌شود؛ همزمان، پولی که در این معاملات مبادله می‌شود نیز از بازارهای حقیقی جدا می‌شود. در واقع، ما با شکلی نوین از کنز مواجهیم که هم منابع کالایی را بلوکه می‌کند و هم نقدینگی را از جریان بازمی‌دارد.

آثار اقتصای کنز

کنز هر یک از دارایی ها اثر خاص خود را دارد. کنز دلار در خانه‌ها، یعنی نگهداری اسکناس دلار به‌صورت غیررسمی و خارج از نظام بانکی، آثار اقتصادی منفی گسترده‌ای دارد که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارد. در وهله اول، خروج دلار از چرخه رسمی مبادلات ارزی موجب کاهش عرضه آن در بازار آزاد می‌شود. این کاهش عرضه، نرخ ارز را به‌صورت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

غیرواقعی افزایش داده و ارزش پول ملی را تضعیف می‌کند (روثبارد[1]، ۲۰۰۹). از آنجا که بخش قابل توجهی از واردات کالاها، مواد اولیه و تجهیزات صنعتی با دلار انجام می‌شود، افزایش نرخ دلار، هزینه واردات را بالا می‌برد و به‌طور مستقیم موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و بروز تورم وارداتی می‌شود (مایزز[2]، ۱۹۹۸). تورم وارداتی سپس به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت کرده و حتی کالاهای داخلی که بخشی از زنجیره تولیدشان وابسته به واردات است، گران می‌شوند. در نتیجه، قیمت‌ها در کل اقتصاد افزایش یافته و تورم عمومی تشدید می‌شود

پیامد دوم، کاهش قدرت خرید مردم، گسترش فقر و افزایش شکاف طبقاتی است؛ زیرا با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، درآمدهای ثابت و متوسط ارزش خود را از دست می‌دهند و طبقات آسیب‌پذیر بیشتر در معرض فشار معیشتی قرار می‌گیرند (مایزز، ۱۹۹۸؛ روثبارد، ۲۰۰۹). افزون بر آن، بی‌ثباتی بازار ارز که ناشی از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی در حوزه نگهداری ارز است، باعث می‌شود دولت و بانک مرکزی نتوانند تصویری شفاف از میزان واقعی ذخایر ارزی در دست مردم داشته باشند. در نتیجه، امکان سیاست‌گذاری مؤثر برای کنترل بازار ارز از بین می‌رود و تلاش بانک مرکزی برای مداخله ارزی به دلیل کمبود منابع شکست می‌خورد یا با هزینه‌های بالا همراه می‌شود (پتروتی[3]، ۲۰۱۵). این ناتوانی، خود موجب افزایش نااطمینانی و تضعیف اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی می‌شود.

یکی دیگر از آثار مهم کنز دلار، کاهش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مولد و بلندمدت است. زیرا افرادی که دلار را در منازل ذخیره می‌کنند، آن را از دسترس بازار سرمایه و تولید خارج کرده و مانع از جریان‌یافتن آن در چرخه اقتصادی می‌شوند. این وضعیت منجر به کاهش تشکیل سرمایه، توقف پروژه‌های تولیدی و در نهایت، کندی رشد اقتصادی می‌شود (هایک[4]، ۲۰۰۸؛ بوم باورک[5]، ۱۹۳۰). همچنین، در چنین محیطی، فعالیت‌های سوداگرانه تقویت شده و انگیزه برای فعالیت‌های تولیدی کاهش می‌یابد؛ زیرا مردم ترجیح می‌دهند به‌جای مشارکت در تولید، از نوسانات نرخ ارز برای حفظ یا افزایش دارایی خود استفاده کنند (دسوتو[6]، ۲۰۰۶). این تغییر رفتار اقتصادی در سطح خرد، نهایتاً به انحراف منابع از مسیر توسعه پایدار و افت تولید ملی می‌انجامد.

در مجموع، کنز دلار در خانه‌ها پدیده‌ای نیست که صرفاً به تصمیمات فردی محدود شود، بلکه رفتاری است با آثار ساختاری که اقتصاد ملی را با اختلالات متعددی مانند تورم، رکود، بیکاری، فرار

---

1 Rothbard
2 Mises
3 Patruți
4 Hayek
5 Böhm-Bawerk
6 De Soto

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

سرمایه، بی‌ثباتی سیاستی و تضعیف اعتماد عمومی مواجه می‌سازد. مقابله با این پدیده، نیازمند ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی، حقوقی و فرهنگی هماهنگ است تا منابع ارزی به جای ذخیره غیرفعال، به سمت بخش‌های مولد اقتصادی هدایت شوند و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت فراهم شود. کنز دیگر دارایی‌ها نیز موجب اخلال در توزیع منابع اقتصادی می‌شود، و در بلندمدت آثار منفی گسترده‌ای بر تولید، سرمایه‌گذاری، عدالت اجتماعی و ثبات اقتصادی می‌گذارد. کنز سکه و طلا سبب کاهش عرضه طلا در بازار، افزایش قیمت طلا، تبدیل طلا به کالایی سفته‌بازانه، افزایش نگرانی‌های اقتصادی و فرار سرمایه از بخش‌های تولیدی به دارایی‌های غیرمولد می‌شود. کنز زمین و مسکن سبب کاهش عرضه املاک به بازار، افزایش شدید قیمت زمین و مسکن، کاهش قدرت خرید مردم برای مسکن و تجمع ثروت در دست گروه کوچکی از مالکان می‌گردد. احتکار خودرو توسط دلالان یا افراد، به امید افزایش قیمت سبب کاهش خودروهای موجود در بازار، افزایش قیمت خودرو حتی بدون افزایش هزینه‌های تولید، و شکل‌گیری حباب قیمتی در بازار خودرو است.

کنز از دیدگاه اقتصاددانان غربی

از زمان انقلاب صنعتی، تمایز بین فعالیت‌های مولد و غیرمولد به یکی از اصول اساسی توسعه اقتصادی در کشورهای صنعتی تبدیل شد. فعالیت‌های مولد شامل تولید کالاها و خدماتی هستند که ارزش افزوده ایجاد می‌کنند و به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. طبقه کارآفرین صنعتی، که شامل افرادی مانند مخترعین، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان بود، به عنوان محرک‌های اصلی این فعالیت‌ها شناخته می‌شدند. فعالیت‌های غیرمولد شامل سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که ارزش‌افزوده قابل توجهی ایجاد نمی‌کنند و ممکن است منجر به سفته‌بازی یا کنز دارایی‌ها شوند. این نوع فعالیت‌ها به عنوان مانعی برای رشد اقتصادی پایدار در نظر گرفته می‌شوند. نظام بانکی و بازار بورس به عنوان ابزارهایی برای هدایت پول به سمت فعالیت‌های مولد طراحی شدند. بانک‌ها با ارائه وام‌هایی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و بازار بورس با ارائه فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های مختلف، به این هدف کمک کردند.

به اعتقاد شومپیتر، مبارزه با کنز، به زمان ارسطو بازمی‌گردد و مکاتب اقتصادی و اقتصاددانان غربی از جمله مارشال، فون میزس، کمرر، ایروینگ فیشر، و هابسون، کنز را علت اساسی عدم تعادل، بیکاری و رکود دانسته‌اند (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۱۲). تمامی اقتصاددانان مرکانتالیست، فیزیوکرات‌ها به رهبری دکتر کنه، رابرت تورگو، و ژول دوپوئه، سپس کلاسیک‌ها به رهبری آدام اسمیت، ژان باتیست سه، دیوید ریکاردو، رابرت مالتوس و جان استوارت‌میل، آن گاه‌کینزین‌ها به رهبری جان مینارد کینز و سرانجام نئوکلاسیک‌ها به رهبری اقتصاددانان دانشگاه‌های شیکاگو و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مینه‌سوتا و ... مانند رابرت لوکاس (برنده جایزه نوبل ۱۹۹۵)، توماس سارجنت، نیل والاس و ادوارد پرسکات (از برندگان جایزه نوبل سال ۲۰۰۴)، همگی با کنز مخالفت کرده‌اند (توتونچیان، ۱۳۷۹، 120-۱۳۳؛ اُسولیوان[1]، ۲۰۰۳؛ وینتروب[2]، ۲۰۰۲؛ هولاندر[3]، ۲۰۰۱). ژان باتیست سه[4] در مدل تعادل بازارهای خود، پول را فقط وسیلهٔ مبادله کالاها می‌دانست و در صورت فقدان کنز، دلیلی برای عدم تعادل اقتصادی نمی‌دید (توتونچیان، ۱۳۷۹، ۱۲۰ و۱۳۳).

اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، بر این باور بودند که اقتصاد به طور طبیعی به سمت تعادل و اشتغال کامل پیش می‌رود، به شرطی که موانعی مانند کنز وجود نداشته باشد. آنها معتقد بودند که بازارها دارای مکانیزم‌های خوداصلاح‌کننده هستند که می‌توانند از طریق قوانین عرضه و تقاضا، اقتصاد را به سمت تعادل سوق دهند. کینز معتقد بود که کنز و رفتارهای مشابه می‌توانند مانع از کارکرد مکانیزم‌های خوداصلاح‌کننده شوند و باعث بیکاری و ناپایداری اقتصادی شوند. کلاسیک‌ها و کینزین‌ها هر دو به دنبال راه‌هایی برای جلوگیری از کنز بودند، زیرا آن را مانعی برای رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دیدند (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۲۰). اقتصاددانانی مانند کینز، ایرونیگ فیشر، لارنس کلاین و موریس الیاس، به تفکرات سیلویو گزل، که از پیشگامان نظریه‌های اقتصادی در زمینه کنز و گردش پول بود، توجه ویژه‌ای نشان دادند. گزل[5] با ارائه ایده‌هایی مانند مالیات بر کنز پول، به دنبال راه‌هایی برای جلوگیری از کنز و تشویق به گردش مالی بود (گزل، ۱۳۸۳: ۱).[6] کنز یکی از عوامل رکود اقتصادی در طول تاریخ در نظر گرفته می‌شود. در تاریخ اقتصادی، دوره‌هایی که در آنها ثروت به سمت تولید و سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت شده، دوره‌های رونق و پیشرفت اقتصادی بوده‌اند (مشهور، بی‌تا، ۲۰۷).

ناگفته نماند که تا پیش از بحران ۱۹۳۰، کنز مفهوم سنتی خود را داشت. اما جان مینارد کینز مفهوم جدیدی از کنز را مطرح کرد که مبتنی بر ترجیح نقدینگی بود. به بیان کینز، کنز به معنای نگهداری پول نقد به منظور سفته‌بازی و به عنوان ذخیره ارزش است. این رویکرد ناشی از تمایل افراد به حفظ نقدینگی برای بهره‌برداری از نوسانات بازار و کسب سود از تغییرات آتی در بازارهای مالی، مانند بازار اوراق قرضه و سهام، است.

در نظام اقتصادی غرب، بانک‌ها نقش مهمی در کاهش کنز پول ایفا کرده‌اند. با دریافت سپرده‌ها و اعطای وام‌ها به فعالیت‌های مولد، بانک‌ها به گردش مالی و رونق اقتصادی کمک کرده‌اند. بهره

---

1 O'Sullivan
2 Weintraub
3 Hollander
4 Jean-Baptiste Say
5 Gesell

٦ کینز در کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، نظرات گزل را بیان کرده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

بانکی به عنوان انگیزهای برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها عمل کرده و مانع از کنز پول شده است. این امر باعث شده تا منابع مالی به جای احتکار، به سمت فعالیت‌هایی هدایت شوند که به تولید و اشتغال کمک می‌کنند. از دیدگاه مکاتب اقتصادی، کنز به عنوان یک نشت درآمد تلقی می‌شود که می‌تواند اقتصاد را با اخلال مواجه سازد. پول به عنوان وسیله‌ای برای مبادله، باید در جریان باشد تا به گردش جریان اقتصادی و رونق آن کمک کند. کنز پول می‌تواند منجر به توقف اقتصاد شده و موجب عدم تعادل، بیکاری و نوسان قیمتها شود (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۰۶-۲۰۷). این تصور که مکاتب اقتصادیِ نظام سرمایه‌داری، کنز را می‌پذیرند می‌باید اصلاح شود. شهید صدر معتقد بودند که در نظام سرمایه‌داری، پس‌انداز بانکی به عنوان کنز تلقی می‌شود و می‌تواند به تعادل کلی اقتصاد آسیب بزند (صدر، ۱۳۸۸: ۳). اما در واقع، در نظام اقتصادی غربی، پس‌انداز بانکی به عنوان یک ابزار برای تبدیل پول‌های عاطل و بیکار[1] به پول فعال[2] عمل می‌کند. تأمین مالی اختراعات، نوآوریها، ساخت ماشین‌آلات، کارخانجات و طرح‌های صنعتی ناشی از این فرایند بوده است (یوسف کمال، بی‌تا: ۳۴۳).

مجازات کنز

در اسلام، کنز به معنای انباشت و احتکار ثروت، به ویژه طلا و نقره، بدون انفاق در راه خدا، به شدت مذمت شده است. این نکوهش در قرآن کریم و سنت نبوی ریشه دارد. به عنوان مثال، آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه به عذاب دردناک برای کسانی که ثروت خود را انباشته و از انفاق در راه خدا خودداری می‌کنند، اشاره دارد و می‌فرماید در روز قیامت دارایی های کنزشده را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند (و به آنها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود کنز کردید، پس بچشید چیزی را که برای خود کنز می‌کردید. کیّ به معنای گذاردن یک شیئ بسیار گرم بر عضوی از بدن یا غیر آن است (طوسی، ۱۳۷۲، ج۵: ۲۱۳). به همین خاطر در زبان عربی معاصر به معنای اتوکردن نیز می‌آید. از پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله روایت شده که فرمود: آن چه کنز می‌شود روز قیامت به صورت ماری پر زهر در آید که بالای چشمانش دو خال سیاه باشد و به دنبال کنزکننده براه افتد. چون شخص آن مار را به بیند بدو گوید:تو کیستی؟ گوید من همان هستم که کنز کرده‌ای، و هم‌چنان او را دنبال کند تا دستش را در دهان گیرد و در اثر آن دستش از کار بیفتد و همچنین یک‌یک سایر اعضای او را به‌دندان گیرد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج۱۸: ۸۱).

---

1 Idle Money
2 Active Money

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

در فقه اسلامی، انباشت به خودی خود حرام یا مذموم نیست، بلکه آنچه مورد نهی قرار گرفته، انباشتی است که به قصد کنز، ایجاد کمیابی مصنوعی، افزایش قیمت، یا جلوگیری از دسترسی مردم به نیازهای اولیه انجام شود. به عنوان مثال، نگهداری سیب در فصل برداشت در سردخانه با هدف تنظیم بازار، جلوگیری از فساد محصول، یا فروش در فصولی که عرضه کمتر است، نه تنها مذموم نیست بلکه می‌تواند عملی عقلایی و اقتصادی نیز تلقی شود. اما اگر همین عمل با نیت انحصار، افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها، یا محروم کردن مردم از محصول ضروری انجام گیرد، آن‌گاه از مصادیق احتکار و کنز حرام خواهد بود. بنابراین، از منظر فقهی، هر انباشتی لزوماً مذموم نیست، بلکه انباشتی جایز نیست که سبب اخلال در نظام اقتصادی جامعه شود و به حقوق دیگران خسارت بزند. در اسلام، اصل جبران خسارت و مجازات برای ایجاد اخلال در زندگی دیگران، بر اساس عدالت و جلوگیری از آسیب به جامعه، پذیرفته شده است (قسمتی، ۱۳۹۴).

بنابراین، کسانی که با احتکار و کنز ثروت، موجب اخلال در معیشت و رفاه عمومی می‌شوند، مسئول جبران خسارات وارده هستند و در صورت شدت اخلال، ممکن است مشمول مجازات‌های تعزیری مانند حبس یا شلاق قرار گیرند. ماده ۶۰ قانون نظام صنفی (مصوب ۱۳۸۲) احتکار را به‌عنوان نگهداری غیرقانونی کالاهای مورد نیاز عمومی برای ایجاد کمبود و افزایش قیمت تعریف کرده و برای آن مجازات تعیین می‌کند. این ماده می‌تواند شامل کنز دلار و امثال آن نیز باشد.

مفهوم انفاق فی سبیل الله

اکثر مفسرین شیعه و سنی، انفاق فی سبل الله در آیه کنز را به معنای ادای حقوق مالی می‌دانند. حسینی شاه عبدالعظیمی می‌نویسد: نزد اکثر مفسرین مراد، زکات مال است، چنانچه از عبد اللّه عمر نقل شده است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج۵: ۷۵). اگر این فرضیه را قائل نباشیم چنانکه قرشی می‌نویسد این خلاف ظاهر آیه است (قرشی، ۱۳۷۷، ج۴: ۲۲۶)، در این صورت می‌باید معنای دیگری برای انفاق جستجو کنیم. یک تفسیر آن است که انفاق را به معنای هر گونه هزینه‌کرد تلقی کنیم. حسینی می‌نویسد: انفاق هم به معنای بخشش مال و هم به معنای خرج‌کردن است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). مصطفوی می‌نویسد انفاق به معنای به جریان انداختن دارایی است، چه به صورت اعطای بلاعوض و چه به صورت معامله (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج۱۰: ۱۱۰). قرشی می‌نویسد: انفاق آن است که مال را از دست خود خارج کند و به جریان اندازد (قرشی، ۱۳۷۷، ج۴: ۲۲۶).

اصطلاحاتی مانند سبیل، صراط، شریعت، شارع، مذهب، سلوک و هجرت، به معنای راه و رفتن و گاهی نمادهایی از حرکت و تحول روحی و معنوی در فرهنگ اسلامی‌اند (سجادی و محبی، ۱۳۹۱).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

سبیل‌اللّه به معنای مسیری بی‌پایان است که که با قرب و رضای بالاتر الهی همراه است.

علامه می‌نویسد: انفاق فی سبیل الله صرفا به معنای اعطای مال به فقیر نیست بلکه به هر نوع هزینه‌کردی اطلاق می‌شود که قوام و پایداری دین و شیرازه جامعه مبتنی بر آن است (طباطبایی، ۱۳۱۷، ج۹: ۳۳۳). کرمی حویزی می‌نویسد: انفاق فی سبیل الله، هر خدمت فردی یا اجتماعی است که در رفع نیاز فرد یا جامعه در جایگاه خود قرار می‌گیرد (کرمی حویزی، ۱۴۰۲، ج۴: ۸۲). مغنیه می‌نویسد: انفاق فی سبیل الله هر نوع هزینه‌کردی است که سبب عزت حقیقت و اهل حقیقت می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج۴: ۳۶).

دیدگاه‌های موجود در تبیین آیهٔ کنز

مشهور فقهای شیعه و اهل سنت آن است که مراد از انفاق فی سبیل‌الله، تنها پرداخت زکات است و بعد از آن، ذخیره‌سازی و انباشت ثروت، اشکالی ندارد و کنز نمی‌باشد (حسینی، ۱۳۸۹). اکثر تفاسیر شیعه از رسول خدا روایت کرده‌اند که فرمود: هر مالی که زکاتش پرداخت شود مشمول آیه شریفه نیست، گرچه در زمین مدفون شود (طبرسی، 1372، ج۵: ۴۰). این روایت، در تفاسیر اهل سنت نیز نقل شده است. فخر رازی این قول از عمر بن خطاب نقل می‌کند و آن را به برخی دانشمندان بزرگ صدر اسلام نسبت می‌دهد (فقال الأکثرون: هو المال الذی لم تؤد زکاته و قال عمر بن الخطاب: ما أدیت زکاته فلیس بکنز) (رازی، ۱۴۲۰، ج۱۶: ۳۶). اما این دیدگاه با مفهوم عرفی کنز، ناسازگار و با ظاهر آیه شریفه، مخالف است. ظاهر آیه شریفه، ممنوعیت کنز طلا و نقره به صورت مطلق (چه زکات آن پرداخت شده باشد یا نباشد) و لزوم انفاق همهٔ آن در راه خدا است. دلالت آیه شریفه نیز ممنوعیت استفاده ناکارآمد از هر نوع دارایی و لزوم سوق آن‌ها به فعالیت‌های مولد است که بالاترین قوام را برای جامعه می‌آفرینند. از سویی، روایات مورد استناد این دیدگاه (حتی با مبانی رجالی اهل سنت)، ضعیف و غیرقابل استناد و مخالف دیگر روایات است (حسینی، ۱۳۸۹). قرشی می‌نویسد: این روایت از امالی مرحوم طوسی نقل شده و سند صحیحی ندارد، وانگهی با ظاهر آیه نمی‌سازد، ظهور آیه در انفاق همه کنز است (قرشی، ۱۳۷۷، ج۴: ۲۲۶-۲۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج۲: ۳۴۱).

این دیدگاه که پس از پرداخت زکات، انباشت مال جایز است از دوران خلیفه سوم و سپس معاویه رواج یافت تا بهانه‌ای برای تصرف مطلق در اموال باشد. خلیفه سوم از کعب‌الاحبار یهودی‌الاصل سوال کرد که آیا اگر مردی زکات بپردازد تکلیف دیگری دارد؟ کعب گفت: نه، ولو کاخی بسازد که خشت آن طلا و نقره باشد. اباذر با عصایش بر سر کعب کوبید و گفت: ای فرزند زن یهودی، ترا چه رسد که در احکام مسلمانان نظر دهی. اباذر سپس آیه کنز را در ردّ نظر او قرائت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

کرد (عروسی، ۱۴۱۵، ج۲: ۲۱۳؛ مدرسی، ۱۳۷۷، ج۴: ۱۴۳). بنابراین، اعطای زکات، مانع تحقق کنز نمی‌شود.

از علی علیه السّلام روایت شده است: زائد بر چهار هزار درهم کنز است، چه زکاتش داده شود یا نه، و کمتر از آن نفقه است (ما زاد علی اربعۀ آلاف فهو کنز ادی زکاته او لم یؤد و ما دونها نفقه). این روایت مقداری که برای روز نیازهای ضروری ذخیره شود را استثنا کرده و بقیه را کنز واجب الانفاق می‌داند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج۱۱: ۷۹؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج۴: ۲۲۶-۲۲۷). در روایتی از امام باقر علیه السّلام مقدار آن دو هزار درهم نقل شده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج۴: ۲۲۶-۲۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج۲: ۳۴۰). قرشی می‌نویسد: این روایت با ظاهر آیه کاملا سازگار است. فیض کاشانی می‌نویسد جمع این دو روایت آن است که انباشت ثروت بعد از پرداخت همه حقوق مالی و برای یک غرض صحیح به میزان دو هزار تا چهارهزار (الجمع لغرض صحیح إلی ألفی درهم أو إلی أربعۀ آلاف بعد إخراج الحقوق) جایز است و انباشت مازاد بر نیاز ضروری (ما زاد علی ما یکفّ صاحبه) جایز نیست (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج۲: ۳۴۱).

اما میزان پول نگهداری‌شده مجاز، مسئله‌ای عرفی و متناسب با شرایط زمان است که معمولا مردم برای تامین نیازهای روزانه نزد خود نگاه می‌دارند. مقدار مالی که برای تأمین مالی مخارج عادی زندگی، کنار گذارده می‌شود، موضوعاً از شمول کنز خارج است و عرفاً به چنین چیزی نفقه گفته می‌شود. تعیین مقدار نفقه، به عرف زمان و مکان بستگی دارد و ذکر چهار هزار درهم در این روایت، معرّف مقدار نفقه در زمان آن حضرت است. بنابراین، هر چیزی که از نظر عرف، زائد بر نفقه باشد کنز شمرده می‌شود. روایتی از حضرت رسول ص نیز این مسئله را تایید می‌کند. حضرت می‌فرماید: مازاد بر نفقه، حتی یک درهم نیز کنز است (حسینی، ۱۳۸۹). البته این در شرایطی است که به آن یک درهم، نیاز شدید باشد. در زمان پیامبر ص، که اصحاب صفّه غذای کافی برای خوردن نداشتند، اگر یکی از آنان دیناری نزد خود پنهان و از مصرف آن خودداری می‌کرد، پیامبر آن را کنز می‌شمرد. در روایتی پیامبر می‌فرماید: دوست ندارم به اندازه کوه اُحُد، طلا داشته باشم و همه را انفاق کنم، ولی سه دینار از آن باقی بماند (ری‌شهری، ۱۳۸۲: ۵۱۵-۵۱۷). از این روایت استفاده شود که تمامی پول می‌باید در راه خیر و مولد، مصرف شود و دارایی راکد، ولو اندک باشد، حتی یک شب، نزد کسی نماند. این روایت، لزوم سرعت عمل مسلمانان در انجام کارهای مولد را نشان می‌دهد و دلالت دارد که اقتصاد می‌باید به قدری شاداب، پررونق و آکنده از فعالیت‌های مولد باشد که بتوان هر پولی را به سرعت در این فعالیت‌ها هزینه کرد. در اقتصادی که دچار کمبود فعالیت‌های مولد است، دارایی‌ها مدت‌زمان بیشتری راکد می‌مانند و مردم نمی‌توانند به سرعت دارایی‌های خود را در راه مولد هزینه کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

حسینی می‌نویسد: مفاد آیه شریفه کنز، یک قاعده کلی در خصوص چگونگی تخصیص درآمدها وضع کرده و برای شناخت احکام جزئی و ضوابط انفاق، باید به ادله خاص مانند حرمت اسراف و تبذیر، وجوب زکات و خمس، ایثار، مواسات و صدقات مراجعه کرد. این دیدگاه که توسط بسیاری از اقتصاددانان مسلمان پذیرفته شده، به‌ویژه به تبیین‌های شهید صدر و علامه فضل‌الله نزدیک است. بر اساس آیه کنز، آنچه تحریم شده، مطلق جمع‌آوری و راکد نگه‌داشتن دارایی‌های مازاد بر نیاز است، و واجب است این اموال در مسیر رضایت الهی، شامل مصارف شخصی، مخارج اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، به گردش درآیند. اگر شخصی با به‌کارگیری مال خود در این مسیرها و با رعایت پرداخت حقوق واجب و انجام انفاق‌های مستحب، از طریق کارایی، خلاقیت، تلاش مضاعف و سرمایه‌گذاری‌های مستمر به ثروت تولیدی گسترده‌ای دست یابد، نه تنها مشمول تحریم آیه نخواهد بود، بلکه مستحق پاداش الهی نیز خواهد شد؛ چنانکه سرمایهٔ تولیدی حضرت امیر(ع) در حدی بود که زکات درآمد آن به بیش از چهل هزار دینار می‌رسید و همهٔ آن در راه خدا صرف می‌شد. بدیهی است که تشکیل چنین سرمایه‌ای بدون پس‌انداز و سرمایه‌گذاری پیوسته ممکن نبود، و از این رو جمع مازاد درآمد و توسعه سرمایه با انگیزه‌های الهی، از مصادیق روشن انفاق فی سبیل‌الله به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۸۹).

راهکارهای پیشنهادشده برای مقابله با کنز

اولین راهکار، افزایش آگاهی عمومی و ترویج نگرش منفی نسبت به کنز در جامعه است، همانطور که در مورد ربا صورت گرفته است.

روش دیگر، اعمال محدودیت‌های قانونی بر مالکیت دارایی‌هایی باشد که به صورت غیرفعال و بدون استفاده انباشته شده‌اند، به منظور بازگرداندن آنها به چرخه اقتصادی. بحران اقتصادی که در سال ۱۹۲۹ در آمریکا آغاز شد و به رکود بزرگ منجر گردید، نمونه‌ای از تأثیرات منفی کنز بر اقتصاد است. در آن زمان، مردم به دلیل نگرانی از وضعیت اقتصادی، سپرده‌های خود را از بانک‌ها خارج کرده و به خرید سکه و شمش طلا روی آوردند، که این امر به کاهش گردش مالی و تشدید رکود کمک کرد. اقداماتی که فرانکلین دی. روزولت در سال ۱۹۳۳ انجام داد، شامل ممنوعیت کنز سکه طلا، شمش طلا و حواله‌جات طلا و قراردادهای مبتنی بر طلا بود. این اقدامات با هدف بازگرداندن ثروت به چرخه اقتصادی و تقویت پایه‌های اقتصادی کشور انجام شد. محدودیت‌های وضع شده بر مالکیت طلا و جریمه‌های سنگین برای کنزکنندگان، به کاهش انباشت طلا و افزایش گردش مالی کمک کرد (روزولت[1]، ۱۹۳۸: ۳۵۲).

[1] Roosevelt

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

یک روش جلوگیری از کنز دارایی‌ها، وضع مالیات بر دارایی‌های کنزشده است. در کشورهای صنعتی، حوزه‌هایی مانند زمین بایر، خانه‌های خالی، ساختمان نیمه‌ساز، مسکن مازاد، مسکن لوکس، ارزش‌افزوده تولید ساختمان، ساختمان‌های ویلایی در جنگل‌ها و حاشیه رودخانه‌ها، اراضی کشاورزی، ساختمان‌های واقع در اراضی کشاورزی، طلا، پس‌انداز و اوراق بهادار، مشمول مالیات بر سرمایه‌اند. هدف از مالیات بر دارایی‌های کنزشده، جلوگیری از کنز و افزایش عرضه آن‌ها است، نه این که صرفاً موجب افزایش هزینه نگهداری دارایی برای مالک، شده و کمکی به عرضه آن نکند. زمانی که دولت به دلیل کاهش بی‌سابقه درآمد ارزی با کسری بودجه شدید مواجه گردید و به خاطر تورم شدید، از قدرت خرید مردم به شدت کاسته شد، کنزکنندگانِ با کنز ارز و احتکار طلا، زمین، اتومبیل و مسکن، ثروت خود را چندبرابر کردند. این بازارها، فاقد نظارت و دارای معافیت مالیاتی بوده‌اند. مالیات از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند جهت‌گیری اقتصادی را تعیین و نقدینگی را هدایت کند (لشکری، عبادی، ۱۴۰۰).

روش دیگر، وضع مالیات بر عایدی دارایی‌های کنز شده است. در شرایطی که دارایی‌ها به دلیل کنز و احتکار، از چرخه اقتصادی خارج شده و به افزایش قیمت‌ها و تورم منجر می‌شوند، وضع مالیات بر عایدی این دارایی‌ها می‌تواند به بازگرداندن آنها به بازار و کاهش فشار بر قشر محروم کمک کند. نرخ این مالیات می‌تواند بسته به شرایط اقتصادی متغیر باشد و در شرایط بحرانی، افزایش یابد تا انگیزه کنز را کاهش دهد و به عرضه دارایی‌ها به بازار تشویق کند. این روش مالیاتی می‌تواند به ایجاد یک اقتصاد سالم و تعادلی کمک کند، جایی که دارایی‌ها برای نیازهای ضروری خریداری شده و به کالای سرمایه‌ای تبدیل نمی‌شوند. اجرای چنین سیاست‌های مالیاتی می‌تواند به کاهش فاصله طبقاتی و افزایش رفاه عمومی منجر شود، زیرا مردم را تشویق می‌کند که دارایی‌های خود را به بازار عرضه کنند، که این امر به نوبه خود می‌تواند به کاهش قیمت‌ها و تامین نیازهای ضروری کمک کند. این اقدامات باید به طور جامع و در تمامی حوزه‌های دارایی اعمال شوند تا اثربخشی لازم را داشته باشند.

بر اساس ماده ۱ قانون مجازات محتکران و گرانفروشان، احتکار به معنای جمع و نگهداری ارزاق ضروری مردم و امتناع از عرضه آن‌ها به بازار، به قصد افزایش قیمت یا ضربه به اقتصاد کشور است. برای تحقق جرم احتکار، سه شرط اساسی لازم است: نیاز عمومی به کالا، امتناع از عرضه، و قصد سوء (مانند گران‌فروشی یا اخلال اقتصادی). مجازات محتکر بسته به دفعات ارتکاب و میزان اثرگذاری جرم، شامل جریمه نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر ارزش کالا، حبس، و تا ۷۴ ضربه شلاق است. در موارد شدید، اگر احتکار با نیت اخلال در نظام اقتصادی و افساد فی‌الارض باشد، حتی مجازات اعدام نیز پیش‌بینی شده است. این مجازات‌ها با هدف حمایت از امنیت اقتصادی و تنظیم بازار اعمال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

می‌شوند. برای کنز نیز می‌توان متناسب با اخلالی که ایجاد می‌کند مجازات‌هایی وضع کرد. این روش‌ها باید در کنار سایر اقدامات اقتصادی و سیاست‌های تشویقی برای تحرک بخشیدن به دارایی‌ها و تشویق به سرمایه‌گذاری‌های مولد به کار گرفته شوند.

اعطای جایزه‌های کلان به افشاکنندگان موارد کنز می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر برای تشویق مردم به همکاری با نهادهای دولتی در کشف و مبارزه با کنز عمل کند. دولت می‌تواند با پرداخت جوایز، از اطلاعات عمومی استفاده کند. با تشویق افشاگری، موارد کنز سریعتر شناسایی و رسیدگی می‌شوند. ممکن است برخی افراد برای کسب جایزه، اطلاعات نادرست یا فریبنده ارائه دهند. برای جلوگیری از سوءاستفاده و تضمین اینکه جوایز به درستی پرداخت می‌شوند، نیاز به یک سیستم نظارتی دقیق وجود دارد. باید اطمینان حاصل شود که حقوق و حریم خصوصی افراد در فرآیند افشاگری حفظ می‌شود.

نتیجه‌گیری

پدیده کنز، به عنوان یک معضل اساسی در اقتصاد، صرفاً به معنای انباشت ثروت و خارج کردن آن از چرخه اقتصادی نیست، بلکه رویکردی جامع‌تر را شامل می‌شود که هرگونه اختلال در تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از جریان یافتن سرمایه به سوی فعالیت‌های مولد را در بر می‌گیرد. مقاله با تکیه بر دیدگاه‌های فقهی و اقتصادی، به بررسی ابعاد مختلف کنز و تأثیرات آن بر اقتصاد و جامعه پرداخته است.

از منظر فقه اسلامی، کنز به معنای نگهداری ثروت مازاد بر نیاز و عدم پرداخت حقوق الهی متعلق به آن است. این مفهوم، که ریشه در آیات قرآن دارد، نه تنها شامل طلا و نقره می‌شود، بلکه تمامی دارایی‌هایی را در بر می‌گیرد که از چرخه تولید و مصرف خارج شده و مانع از تأمین نیازهای اساسی جامعه می‌گردند. در مقابل، انفاق در راه خدا، به عنوان نقطه مقابل کنز، به معنای یاری رساندن به نیازمندان، گسترش عدالت اجتماعی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد است که به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

در اقتصاد مدرن، مفهوم کنز ابعاد گسترده‌تری یافته و شامل اشکال پیچیده‌تری از عدم تخصیص بهینه منابع می‌شود. سفته‌بازی، احتکار، پروژه‌های ناتمام و عدم استفاده از ظرفیت‌های تولیدی، همگی از مصادیق نوین کنز هستند که می‌توانند منجر به کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری‌ها، تورم و رکود گردند. به ویژه، انباشت ارز خارجی در خانه‌ها و خروج آن از چرخه رسمی اقتصاد، آثار مخربی بر نرخ ارز، قدرت خرید مردم، سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

از زمان انقلاب صنعتی، تمایز بین فعالیت‌های مولد و غیرمولد به یکی از اصول اساسی توسعه اقتصادی تبدیل شده است. اقتصاددانان کلاسیک، کینزین و نئوکلاسیک، هر یک به نوعی با کنز مخالفت کرده و آن را مانعی برای رشد و پیشرفت اقتصادی دانسته‌اند. جان مینارد کینز، با مطرح کردن مفهوم ترجیح نقدینگی، کنز را به معنای نگهداری پول نقد به منظور سفته‌بازی و به عنوان ذخیره ارزش تعریف کرد و بر نقش آن در ایجاد ناپایداری اقتصادی تأکید نمود.

مبارزه با کنز، نیازمند رویکردی چندجانبه است که شامل اصلاح رفتارهای اقتصادی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های مولد، ایجاد شفافیت در بازارها، مقابله با فعالیت‌های سوداگرانه، تقویت نظام مالیاتی عادلانه و ترویج فرهنگ انفاق و مسئولیت اجتماعی باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

منابع

۱. بخشی دستجردی، رسول؛ رحیمی، رویا (۱۳۶۹). مطالعه تأثیر کنز بر سطح تولید و رفاه در اقتصاد ایران، طراحی یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی، *تحقیقات اقتصادی*، ۵۲(۱۲۱)، ۷۸۹-۸۲۰.

۲. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). *پول و بانکداری اسلامی*. تهران: توانگران

۳. حسینی، بی‌بی‌حکیمه و همکاران (۱۳۹۵). *تجلی اعجاز ادبی قرآن در معناشناسی واژه انفاق*. تهران: نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی

۴. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۹). تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد. *معرفت اقتصادی*، ۱(۱)، ۱۱۱-۸۳

۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی

۶. سجادی، سیدابوالفضل؛ محبی، سحر (۱۳۹۱)، معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه سبیل در قرآن، علوم قرآن و حدیث، (۱۵)، ۸۳-۱۰۲

۷. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۸). البنک اللاربوی فی الإسلام. قم: دارالصدر

۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه المیزان*. قم: جامعه مدرسین

۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان*. قم: جامعه مدرسین

۱۰.طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو

۱۱.طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). *ترجمه مجمع البیان*. تهران: فراهانی

۱۲.طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه

۱۳.طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۲)، تبیان، جلد۵، بیروت: داراحیاء التراث

۱۴.عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*. قم انتشارات اسماعیلیان

۱۵.فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵). *التفسیر الصافی*. تهران: الصدر

۱۶.قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت

۱۷.قسمتی تبریزی، علی (۱۳۹۴)، اصل جبران کامل زیان، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۷(۱۳)، ۱۳۵-۱۷۴

۱۸.کرمی حویزی، محمد (۱۴۰۲)، المنیر، قم: علمیه

۱۹.گزل، سیلویو (۱۳۸۳). نظام اقتصاد طبیعی، ترجمه ابراهیم بیضایی، تهران: سمت.

۲۰.لشکری، علیرضا؛ عبادی، روح الله (۱۴۰۰)، بررسی سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف اقتصاد اسلامی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۰(۳۶)، ۱۲۱-۱۴۸

۲۱.محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۲). *التنمیه الاقتصادیه فی الکتاب و السنه*. قم: دارالحدیث

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۲۲.محمودی گلپایگانی، سیدمحمد (۱۳۸۹). تحلیل فقهی احکام کنز، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۳(۲)، ۱۱۹-۱۴۳.
۲۳.مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس
۲۴.مشهور، امیره عبداللطیف (بی تا). *الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی*. قاهره: مکتبه مدبولی
۲۵.مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، ج۱۰، تهران: مرکز نشر کتاب
۲۶.مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتاب الاسلامیه
۲۷.مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۲۸.مهرگان، نادر؛ نعمتی، هیمن (۱۳۹۴)، بررسی مخاطرات اخلاقی هنگام احتکار و تحلیل آن توسط نظریه بازی‌ها، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۴(۱۱)، ۳۷-۵۲
۲۹.موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۵). *گزارش طرح مطالعاتی بخش‌های اقتصادی*، (جلد۳)، مسکن و مستغلات
۳۰.موسوی، سید محمد علی؛ عیسوی، محمود (۱۳۹۴). تحلیلی نوین از آیات کنز، *معرفت اقتصادی*، ۲۱۸، ۶۳-۷۸
۳۱.میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۲)، بورس بازی از دیدگاه فقه، اقتصاد اسلامی، ۳(۹)، ۵۱-۶۴
۳۲.نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸)، تفسیر آسان، تهران: اسلامیه
۳۳.واعظ، محمد؛ مقیمی، شهرام (۱۳۹۲)، سفته‌بازی کوتاه مدت در بازارهای اقتصادی و مالی (بررسی فقهی اقتصادی)، جستارهای اقتصادی ایران، ۱۰(۲۰)، ۲۹-۵۶
۳۴.یوسف‌کمال، محمد (بی تا). *فقه الاقتصاد النقدی*، دارالصابوتی، دارالهدایه
۳۵.یوسفی، محمدرضا (۱۳۸۶). *در جستجوی آرمان شهر نبوی*، قم: دانشگاه مفید
36. Böhm-Bawerk, Eugen von (1930). The Positive Theory of Capital. New York: G. E. Stechert & Co.
37. De Soto, Jesús Huerta (2006). Money, Bank Credit and Economic Cycles. Auburn, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
38. Hayek, Friedrich A. von (2008). Prices and Production and Other Works. Auburn, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
39. Hollander, Samuel (1987), Classical Economics, Oxford: Blackwell Publishers.
40. Mises, Ludwig von (1998). Human Action: A Treatise on Economics. Auburn, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
41. O'Sullivan, Arthur; Sheffrin, Steven M. (2003) Economics: Principles in Action. Upper Saddle River: Pearson Prentice Hall.
42. Patruti, Alexandru (2015). The Effects of Hoarding on Economic Growth from the Perspective of Capital Theory. Procedia Economics and Finance, 20, 494–502.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

43. Roosevelt, Franklin D. (1938). Public Papers and Addresses of Franklin D. Roosevelt, The Year of Crisis, 1933. Volume II, New York: Random House.
44. Rothbard, Murray N. (2009). Man, Economy, and State with Power and Market. Auburn, Alabama: Ludwig von Mises Institute.
45. Weintraub, E. Roy (2002). Neoclassical Economics, Library of Economics and Liberty.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]